

اعتیاد، علل، پیشگیری

ابوالفضل علی دوست ابرقویی

قسمت دوم



نمی‌توانند برای او تکیه‌گاه مناسبی باشند. فراموشی ناشی از اعتیاد، از جمله پناهگاه‌های متزلزل و غیرقابل اعتمادی است که برخی از جوانان برای فرار از این بحران هویت برمی‌گزینند و در نتیجه در دامی فرو می‌غلطند که رهایی از آن برایشان امکان‌پذیر نیست. براساس آنچه گفته شد، اولین عامل در گرایش افراد را به اعتیاد، بایستی این اقتضای نوجوانی و جوانی یعنی «احساس هویت و کشف آن» دانست. این مطلب را در شماره‌ی قبل مجله در خدمت شما بودیم.

با ورود به دوره‌ی جوانی و مرز جوانی اولین سؤالات مبتنی بر احساس هویت، در ذهن فرد جرقه می‌زند: من کیستم؟ چرا آفریده شدم؟ چه باید بکنم؟ و سؤال‌هایی از این دست. هرگاه نوجوان و جوان بتواند پاسخ‌هایی قانع‌کننده برای این سؤالات پیدا کند، زندگی‌اش را هم‌سو با ارزش‌های حاکم بر جامعه، جهت می‌دهد؛ و آنگاه به اصطلاح روان‌شناسان، دچار بحران هویت خواهد شد و برای گریز از این سؤالات و رهایی از خاطره‌های دغدغه‌بار به ستون‌هایی تکیه می‌کند که هرگز

● خانواده:

عامل دیگری که در گرایش فرد به اعتیاد و در نتیجه سقوط در این دزه‌ی وحشتناک، نقش عمده دارد، چار دیواری خانواده‌ی اوست. به تعبیر یکی از دانشمندان خارجی، بندرت می‌توان دایره‌ی تربیت طفل را به خارج از خانواده تسری داد و به تعبیر «گزل» روان‌شناس آمریکایی، شالوده‌ی شخصیت فرد در پنج سال اول زندگی شکل گرفته است و از این تعبیر، اساسی‌تر و عمیق‌تر روایتی است از رسول خدا (ﷺ) که فرمودند: «انسان بدبخت در شکم مادر خود این گونه است و انسان سعادت‌مند هم در شکم مادر، سعادت‌مند است». این روایت گویای آن است که زمینه‌ی تربیتی طفل، قبل از این که با ورود به دنیا فراهم شود، از سوی عواملی رقم زده می‌شود که مثل قبل از تولد در این خصوص نقش دارند، این امور که می‌توان آن‌ها را عوامل تربیتی قبل از تولد نام نهاد، فصلی را در کتاب‌های تربیتی و کتاب‌هایی که به مسائل خانواده و تعلیم و تربیت پرداخته‌اند، به خود اختصاص داده است.

از دانشجویان یک دانشگاه مشخص شده است که از لحاظ اخلاق و علایق شخصیت یک چهارم پسرها شبیه مادر خود هستند و یک چهارم از دخترها در این موارد شبیه پدر خود عمل می‌کنند.^(۱) در فرایند همانندسازی نقش سایر اعضای خانواده، مانند برادر و خواهر نیز بی‌تأثیر نیست.

هرگاه طفل در خانواده و با کسانی زندگی کند که ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی آن‌ها با ارزش‌ها و هنجارهای عرفی و رایج هم‌سو نباشد، گرایش طفل در بزرگسالی به ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی امری محتمل است و برعکس، هرگاه در خانواده و با افرادی زندگی کند که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی را مراعات می‌کنند، سعادت طفل تا حدودی زیادی تضمین می‌گردد. عدم توجه به طفل، بی‌توجهی به اقتضائات سنی او، در نظر نگرفتن کرامت و بزرگ‌منشی طفل، از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی و به صورت مصداق،

در خانواده، پایه‌های سعادت یا بدبختی و تیره‌روزی طفل، رقم زده می‌شود و گرایش طفل، به انجام دادن کارهای نیکو و یا گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی، معلول عواملی است که ریشه در مزرعه‌ی خانواده دارد، و از آن‌جا که دو عنصر تعیین‌کننده در چار دیواری خانواده، پدر و مادر هستند، گاه از خانواده به والدین تعبیر می‌شود. یافته‌های روان‌شناسان گویای این نکته است که در مقاطع مختلفی از زندگی، نوعی گرایش به معیارهای بزرگسالان در طفل بروز می‌کند، اما قبل از آن بایستی از ویژگی همانندسازی که در کودکی اجتناب‌ناپذیر است یاد کرد. «همانند سازی» را می‌توان نوعی تقلید از حرکات بزرگ‌ترها دانست. همانندسازی، جزئی جدانشدنی از ویژگی کودکان است، لذا نقش والدین در جهت‌دهی شخصیت و گرایش‌های کودکان اولین رتبه را در تکوین شخصیت آن‌ها به‌خود اختصاص می‌دهد. البته در این که کدام یک از پدر و مادر، در این فرایند همانندسازی نقش بیش‌تری دارد، طی نظر سنجی

ارتباط دارند، در گرایش او به ناهنجاری‌های اجتماعی و از جمله اعتیاد و برعکس در کشاندن او به رعایت هنجارهای جامعه، اجتناب‌ناپذیر است.

● فراوانی و در دسترس بودن مواد مخدر

فراوانی و در دسترس بودن انواع مواد مخدر و توزیع سازمان یافته‌ی آن، از دیگر عواملی است که افراد را به استعمال این مواد تشویق و ترغیب می‌کند، و هم‌جواری کشور ما با افغانستان، به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی مواد مخدر در جهان، این فراوانی و در دسترس بودن را تسهیل می‌کند. از طرف دیگر تنوع این مواد، نوع کشش مضاعف برای کسانی که ایجاد می‌کند که در پی ارضای تنوع‌طلبی ذاتی خودشان هستند.

تا کنون حدود هشت صدو پانزده نوع، مواد مخدر شناخته شده که در شکل و قالب‌های مختلفی عرضه می‌شود، مضافاً این که مصرف آن‌ها از چنان تنوع و اشکالی صورت می‌گیرد که کنجکاوی افراد را برمی‌انگیزد، و چه بسیار از این مواد که شخص هرگز باور نمی‌کند، به آن معتاد شده است، اما در ظرف مدت زمانی حدوداً یک سال، به اوضاع وخیم و اعتیاد خود پی می‌برد.

بر هنجارها یا ناهنجاری‌های اجتماعی، نقش اول و اساسی را دارند و عمل‌کرد آن‌ها به طور قهری در سعادت یا بدبختی فرزند مؤثر است. والدینی که برخورد‌های محبت‌آمیز و طبیعی با فرزندانشان داشته باشند، او را شیفته‌ی لیخنه‌ی دیگران نساخته و خلأ عاطفی او را پر می‌کنند. چنین فرزندانی سفره‌ی دل نزد هرکس نمی‌گشایند و به دام ناهنجاری‌های اجتماعی و از جمله اعتیاد نمی‌افتند و والدینی که سرانجام زندگی آن‌ها به جاده‌ی طلاق و از هم پاشیدگی ختم می‌شود، سنگ بنای انحراف فرزندانشان خود را با دست خود به کار زده‌اند.

● گروه‌های هم‌سن و سال

از جمله زمینه‌سازان سعادت و یا بدبختی افراد به شمار می‌روند.

فرایند رشد انسان گویای آن است که رشد اجتماعی از هشت سالگی آغاز می‌گردد و تمایل به مقبولیت و پذیرش اجتماعی در شخص جوانه می‌زند، هرگاه طفل در گروهی قرار بگیرد که هنجارهای اجتماعی را پذیرفته‌اند، قهر آشکش او به سمت رعایت هنجارهای اجتماعی است و هرگاه در میان کسانی قرار بگیرد که ناهنجاری‌های اجتماعی وجه مشخص آن‌هاست، برای کسب مقبولیت نزد آن‌ها ناچار است، ناهنجاری‌های

گرایش به اعتیاد است.

بر طبق یک از یافته‌ها، مصرف دارو در بین جوانانی بیش‌تر است که به خانواده‌های ناخرسند تعلق دارند که در آن‌ها والدین علاقه‌ای به فرزندانشان ندارند، و به تنبیه بدنی شدیدی متوسل می‌شوند، تا در بین جوانانی که در محیط‌های خانوادگی شادتری بزرگ شده‌اند. ارزش‌های والدین نیز نقش مهمی در استفاده از دارو دارند. جوانانی که در خانواده‌های محافظه‌کاری بزرگ شده‌اند که در آن‌ها بر ارزش‌های اجتماعی و دینی سنتی و اهمیت هدف‌های دراز مدت تأکید می‌گردد، کم‌تر به مصرف دارو گرایش نشان می‌دهند، تا جوانانی از خانواده‌هایی که در آن‌ها عدم دخالت در کار هم‌دیگر تشویق می‌شود. شاید قوی‌ترین تأثیر والدین این باشد که الگویی برای مصرف دارو فراهم می‌کنند. در خانواده‌هایی که در آن آزادانه الکل، آرام‌بخش‌ها و سایر داروهای قانونی استفاده می‌شود، ممکن است کودکان نیز در انتخاب داروها آزادی عمل نشان دهند...^(۲)

بر مبنای آن چه گفته شد، خانواده مهم‌ترین تأثیر را در گرایش محفل به هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی دارد؛ و به تعبیر ویل دورانت: «کودک سرکش است و پای‌بند هیچ قانونی و قراردادی نیست و هرچه ممنوع است، مورد توجه و میل طبیعی اوست. نخستین وحدت اجتماعی که این موجود خودخواه بدان علاقه پیدا می‌کند، خانواده است...»^(۳)

خانواده و والدینی که با عطف و مهریانی با فرزندانشان خود رویه رو می‌شوند، بذریک زندگی طبیعی را در دل فرزندانشان خود می‌کارند. چنین فرزندانی هرگز مجبور نمی‌شوند، برای چشیدن یک جرعه محبت، چشم به دست و دهان هرکس و ناکس بدوزند و برعکس، فرزندانی که جای خالی یک لحظه عطف و در زندگی خود احساس می‌کنند و تشنه‌ی یک جام محبتند، به اندک گوش چشمی تغییر مسیر می‌دهند و چه بسا گم شده‌ی خود را به سفره‌ای ببینند که محتویات آن را بالای ویرانگر اعتیاد تشکیل می‌دهد.

منابع دینی ما مشحون از روایاتی است که محبت به فرزندانشان را توصیه کرده‌اند که در شماره‌های آینده ان‌شاءالله مصادیقی خواهد آمد.

● پاشیدگی خانواده

از دیگر عواملی است که در گرایش فرد به ناهنجاری‌های اجتماعی و از جمله اعتیاد، مؤثر است.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین سی تا شصت درصد از بزه‌کاران به خانواده‌هایی تعلق دارند که از هم پاشیده شده‌اند، و به این ترتیب می‌توان گفت که به طور متوسط چهل درصد از بزه‌کاری، ثمره‌ی تلخ از هم‌پاشیدگی خانواده‌هاست.^(۴)

از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها، گرفتار شدن طفل به رفتار ظالمانه‌ی پدر و مادری که مجدداً تشکیل زندگی داده‌اند و روند اولیه‌ی زندگی‌شان از دست رفته، موجب خلأ عاطفی شدید طفل می‌گردد. دقت این اطفال در امور مختلف زندگی کاهش می‌یابد، اعتماد به نفس آن‌ها تقلیل می‌یابد، احساس پوچی می‌کنند و لایبالی خواهند شد و چون دچار عقده‌ی حقارت می‌شوند، افرادی ناپایدار خواهند بود.

بر اساس آن چه گفته شد، خانواده و والدین در ارائه‌ی الگویی به فرزندانشان و اتخاذ زندگی‌ای مبتنی



براساس آن چه به آن اشاره شد:

پس از احساس هویت و ضرورت کشف این هویت، خانواده را می‌توان عامل مهمی در کشش فرد به اعتیاد عنوان نمود (بلکه این عامل را می‌توان اصلی‌ترین و اولین عامل برشمرد). قرار گرفتن در گروه‌های هم‌سن و سالی که ناهنجاری‌های اجتماعی و از جمله اعتیاد در آن‌ها رواج دارد، از دیگر عوامل کشش به اعتیاد است. از دیگر عوامل بروز و تشدید و ترویج اعتیاد را، می‌توان وفور و تنوع مواد مخدر دانست. آن چه گفته شد، برخی از مهم‌ترین علل گرایش به اعتیاد است. عوامل گوناگون دیگری نیز هستند که شاید بتوان آن‌ها را در دایره‌ی عواملی که بیان شد، قرار داد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. زمینه روانشناسی، ج ۱، ص ۱۶۷.
۲. همان، ج ۲، ص ۲۵۰.
۳. جرم‌شناسی، ج ۳، ص ۶۰۱.
۴. همان، ص ۷۳۰.